

ارتباطات زیست محیطی و آب:

تحلیل محتوای مستندهای دهه هشتاد و نود سینمای ایران

فرزاد غلامی^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۲۹ تاریخ تایید: ۰۰/۵/۳

DOI: 10.22034/JCSC.2021.534374.2432

چکیده

جامعه ایران با موضوعات و مسائل زیست محیطی متعددی روبرو است. در میان موضوعات زیست محیطی جامعه ایران «مسئله آب» یکی از برجسته ترین مسائل است. امروزه رشته‌های علوم انسانی هم به موضوعات زیست محیطی و تبعات آنها واکنش نشان داده اند. ارتباطات زیست محیطی هم یکی از عرصه هایی است که پتانسیل خوبی برای کمک به حل ابعادی از مسائل زیست محیطی دارد. بر این اساس در این مقاله از منظر ارتباطات زیست محیطی و با رویکرد نظری چارچوب بندی به مطالعه مسئله آب در سینمای مستند دهه هشتاد و نود ایران پرداخته شده است. سوال اصلی تحقیق این است که سینمای مستند ایران چگونه به مسئله بحران آب در ایران پرداخته است؟ برای پاسخ به سوال تحقیق ۲۲ فیلم مستند با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شده است. تحلیل محتوای کیفی این مستندها نشان می‌دهد چارچوب تشخیصی و تجویزی توسعه پایدار غالب ترین و فراگیرترین چارچوبی است که مستندسازان ایرانی مساله بحران آب در ایران را در قالب آن چارچوب بندی کرده‌اند.

واژگان کلیدی: مستند زیست محیطی، سینمای زیست محیطی، ارتباطات زیست محیطی، چارچوب بندی، مسئله آب

^۱. استادیار گروه علوم ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

farzadgholami@ut.ac.ir

مقدمه

ارتباطات زیست محیطی یکی از حوزه‌های جدید مطالعات ارتباطی است که امروزه مورد توجه محققان قرار گرفته است؛ گستردگی موضوعات مطرح شده در ارتباطات زیست محیطی تعریف این حوزه را با چالش مواجه کرده است (کوکس و پزولو، ۲۰۱۷: ۱۲). در ساده‌ترین تعریف می‌توان گفت که ارتباطات زیست محیطی استفاده استراتژیک و برنامه‌ریزی شده از فرآیندهای ارتباطی و محصولات رسانه‌ای برای حمایت از سیاستگذاری موثر، مشارکت عمومی و اجرای پروژه‌ها به سمت پایداری زیست محیطی است. به عبارتی ارتباطات زیست محیطی با طراحی کردن استراتژی‌های ارتباطی مشخص از روش‌ها، ابزارها و تکنیک‌هایی نهادینه شده ارتباطات توسعه، آموزش بزرگسالان، بازاریابی اجتماعی، ترویج کشاورزی، روابط عمومی و آموزش‌های غیررسمی استفاده موثری می‌کند (گزارش گروه توسعه و محیط زیست، ۱۹۹۹: ۸). فیلم‌های مستند یکی از بسترهای ارتباطی برای بیان مسائل زیست محیطی است که می‌توان از آن آگاهانه برای افزایش آگاهی مخاطب در مورد موضوعات زیست محیطی استفاده کرد.

فیلم مستند در کنار فیلم داستانی و فیلم تجربی آونگارد یکی از سه ضلع خلاقانه در سینما است (مک لین، ۱۳۹۴: ۷). با توجه به این که «همه فیلم‌های مستند غیرداستانی هستند» (وارد، ۱۳۹۱: ۱۱) می‌توان گفت وجه غیرداستانی بودن فیلم مستند قابلیت آن را برای اقناع مخاطب افزایش می‌دهد. اگر چه باید به این مسئله هم توجه داشت که در فیلم مستند هم از «تکنیک‌ها و قواعدی» استفاده می‌شود که به «قصه‌گویی و تخیل» شباهت دارد (همان). این مستندهای غیر داستانی را «مستند بازنمایی اجتماعی» (نیکولز، ۱۳۸۹: ۳۷) هم نامیده‌اند. ویژگی این نوع مستندها بازنمایی جنبه‌هایی از جهان خارج به صورت ملموس است به این معنا که واقعیت اجتماعی را رویت پذیر می‌کنند و به درک ما از واقعیت معنا می‌بخشند (همان: ۳۸). بنابراین می‌توان گفت مستندها می‌توانند فهم ما را از مسائل و موضوعات شکل دهند.

در عرصه مسائل زیست محیطی این امر به دلیل انتزاعی بودن مشکلات زیست محیطی می‌تواند برجسته‌تر هم باشد، به این معنا که مستند زیست محیطی می‌تواند به درک ما از ماهیت معضلات زیست محیطی کمک شایانی نماید. چرا که مستندها می‌توانند با ملموس کردن مسائل زیست محیطی و بحران‌های حاصل از آنها، «نقشی کلیدی در توسعه ارتباطات زیست محیطی» و جلب مشارکت هم در عرصه عمومی و هم در میان سیاستگذاران و تصمیم‌گیران برای حفاظت از محیط زیست ایفا نماید (منتظر قائم و عرفانی حسین پور، ۱۳۹۳: ۶۸).

بازنمایی مسائل زیست محیطی در سینما قالب‌های گوناگونی دارد، به عبارتی فیلم‌های سینمای زیست محیطی «به گستره تعریفی متفاوتی تعلق می‌یابند، که می‌توان آنها را از مستندهای حیات وحش تا مستندهای صنعتی انتقادی در گسترش شهرها و فیلم‌های داستانی که به از میان رفتن طبیعت توسط انسان می‌پردازند، بسط داد» (شهبازی، ۱۳۹۸: ۱۲). در فضای سینمای زیست محیطی ایران آثار مستند به مراتب بیشتر از آثار داستانی است، که این امر به ماهیت فیلم مستند و تناسب آن برای مسائل زیست محیطی بر می‌گردد. یکی از حوزه‌هایی که سینمای زیست محیطی به آن توجه کرده است و آثار ارزشمندی در این مورد ساخته شده است، موضوع آب در ایران است. نگاهی به تعداد مستندهای تولید شده در دهه ۹۰ شمسی در قیاس با دهه قبل به خوبی بیانگر اهمیت موضوع آب برای سینمای مستند ایران است.

بیان مسئله

ایران به دلیل این که در کمربند خشک و نیمه خشک جهان قرار گرفته است، از لحاظ منابع آبی، جز کشورهایی محسوب می‌شود که با محدودیت منابع آبی روبرو است. به عبارتی سهم ایران از آب‌های شیرین به نسبت میانگین جهانی پایین تر است. در حالی که ۱ درصد جمعیت جهان در ایران زندگی می‌کند، تنها ۰/۳ درصد آب‌های شیرین جهان سهم ایران است، علاوه بر این بارش ایران کمتر از یک سوم بارندگی جهانی است، میزان تبخیر آب در ایران سه برابر جهان است (مرزبان و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۷). همچنین رییس سازمان حفاظت محیط زیست کشور^۱ میزان برداشت از منابع آب تجدیدپذیر در کشور را ۱۱۰ بیان کرده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۰ شهریور ۹۶) این در حالی است که طبق استانداردهای جهانی در هر کشوری اگر میزان برداشت از آب‌های تجدید پذیر بیش از ۴۰ درصد باشد، آن کشور با تنش آبی شدید روبرو است (احسانی و خالدی، ۱۳۸۲: ۵). این امار و ارقام بیانگر این است که ایران با تنش آبی روبرو است.

برای فهم مسئله آب ایران می‌توان از زوایایی گوناگون و از منظر رشته‌های مختلف به آن نگریست. با توجه به این که آب علاوه بر یک منبع طبیعی یک منبع اجتماعی هم هست، می‌تواند یکی از موضوعاتی باشد که در رشته‌های علم اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بنابراین در این مقاله موضوع آب از نگاه ارتباطات زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است.

1. <https://www.isna.ir/news/۹۶۰۶۱۰۰۵۸۲۰/>

همانگونه که در مقدمه ذکر شد مستندهای زیست محیطی یکی از حوزه‌های ارتباطات زیست محیطی هستند که می‌تواند مسائل زیست محیطی را قابل فهم و ملموس نمایند، در مسئله آب ایران هم می‌توان توقع داشت که سینمای مستند ایران بتواند مسئله آب را برای کنشگری به نفع محیط زیست؛ هم برای عامه مردم و هم برای سیاستگذاران قابل درک نماید. بنابراین مسئله این پژوهش صورت بندی مسئله آب در سینمای مستند ایران است؛ بنابراین سوال این پژوهش این است که در مستندهای زیست محیطی مسئله آب در ایران چگونه مطرح شده است؟ این سوال را می‌توان به دو سوال ریزتر تغییر داد:

۱. سینماگران ایرانی علت مسئله آب را چه مسائلی می‌دانند؟
۲. سینماگران ایرانی چه راهکاری برای مسئله آب مطرح می‌کند؟

پیشینه تحقیق

علی رغم اهمیت موضوع آب برای جامعه ایران، هنوز در فضای علوم اجتماعی به طور عام و علوم ارتباطات به طور خاص تحقیقات چندانی در این مورد انجام نشده است. با این که موضوع اصلی این مقاله سینمای مستند و بحران آب است، اما بدلیل تحقیقات اندک در این حوزه در پیشینه تحقیق به پژوهش‌هایی که به رسانه‌ها و آب پرداخته اند، اشاره می‌کنیم. نزدیک ترین پژوهش به این تحقیق پایان نامه کارشناسی ارشد رضوانه عرفانی حسین‌پور (۱۳۹۲) است، که با عنوان «تحلیل رتوریک مستندهای مربوط به بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه» در گروه علوم ارتباطات دانشگاه تهران انجام شده است. عرفانی حسین‌پور در این پژوهش مستندهای مربوط به بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه را تحلیل رتوریک کرده است. این پژوهش با روش کیفی تحلیل رتوریک شش مستند ساخته شده درباره بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه را تحلیل کرده است. مولفه‌های پنجگانه‌ای که برای تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است عبارتند از: کاراکترها، رتوریک خطای انسانی و تعیین مقصر، جاذبه‌ها و انگیزش‌های احساسی، تکنیک‌های رتوریکی متقاعدسازی منطقی و توسعه پایدار. ضعف اصلی این مولفه‌ها این است که از یک سنخ نیستند و نمی‌توان آنها را در کنار هم به عنوان مقوله‌هایی جامع برای تحلیل به کار برد. به عنوان مثال جاذبه‌ها و انگیزش‌های احساسی و تکنیک‌های متقاعدسازی منطقی هر دو از شاخص‌های رتوریک برای اقناع مخاطب هستند، اما توسعه پایدار هیچ‌گونه ارتباطی به مفهوم رتوریک و اقناع ندارد، بلکه توسعه پایدار یک گفتمان

است که یکی از ابعاد آن توجه به شاخص‌های زیست محیطی برای رسیدن به پایداری زیست محیطی و پایداری جامعه در همه سطوح است.

پژوهش مرتبط دیگر تحقیقی است که سید رسول محمودی یمین (۱۳۹۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «ارزشیابی برنامه‌های مستند سیمای جمهوری اسلامی ایران در زمینه ارتقاء فرهنگ مصرف آب» در دانشکده‌ی ارتباطات دانشگاه صدا و سیما انجام داده است. در این تحقیق یکی از علت‌های این بحران در ایران وجود فرهنگ غلط در زمینه مصرف آب معرفی شده است و بر این امر تاکید شده است که به همین دلیل سازمان صداوسیما طی چند دهه گذشته در راستای فرهنگ سازی برنامه‌های مستند بسیاری پیرامون بحران آب تولید کرده است. هدف این پژوهش ارزیابی از کیفیت این مستندهاست. از نظر نگارنده شناسایی نحوه پرداخت به فرهنگ مطلوب مصرف آب و مشکلات این حوزه در این مستندها امری ضروری است تا نقاط ضعف و قوت آنها شناسایی شود و در برنامه‌های آینده نقاط ضعف برطرف و نقاط قوت تقویت شود. برای دستیابی به این هدف در پایان‌نامه فوق، از روش‌های مصاحبه عمیق و تحلیل محتوای کیفی استفاده شده و با بررسی نظرات کارشناسان رسانه و محیط زیست، فرهنگ مطلوب مصرف و مهم ترین مشکلات حوزه آب استخراج شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ مطلوب مصرف آب، فرهنگی است که در آن شش شاخصه ارزش تاریخی آب، ارزش دینی آب، رعایت اصول مصرف، آموزش، رعایت حق مخلوقات دیگر و توجه به آب در ادبیات و آداب و رسوم، باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و نتیجه اصلی این پژوهش که پاسخ همان پرسش اصلی تحقیق می‌باشد، این است که مستندهای سیما در پرداختن به مشکلات حوزه آب موفق عمل کرده اند؛ اما در پرداختن به فرهنگ مطلوب مصرف آب و ارتقای این فرهنگ موفق نبوده اند.

دو پژوهش دیگر هم به موضوع آب در رسانه‌ها پرداخته اند اما بر خلاف تحقیقات قبلی که ذکر شد، زمینه‌ها آنها مستند سینمایی یا تلویزیونی نبوده است اما به دلیل مطرح کردن مسئله آب در رسانه‌ها به معرفی مختصر آنها می‌پردازیم.

یکی از این پژوهش‌ها کار ندا صابری (۱۳۹۶) است که با عنوان «ارزیابی عملکرد و نحوه ی پوشش رسانه‌های خبری ایران از مسایل محیط زیستی با استفاده از نقد رتوریک (مطالعه موردی: بحران کم آبی)» در دانشکده‌ی محیط زیست دانشگاه تهران در قالب پایان نامه

کارشناسی ارشد انجام شده است. عملکرد و نحوه ی پوشش رسانه‌های خبری ایران درباره ی بحران کم آبی مسئله ای است که صابری در پی مطالعه آن بوده است.

پژوهش با استفاده از دو روش تحلیل رتوریک و تحلیل‌های آماری انجام شده است. داده‌های لازم برای انجام پژوهش خبرهای مرتبط با بحران آب در خبرگزاری‌های ایران، سایت خبری وزارت نیرو و صدا و سیما در سال آبی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ بوده است. نتایج پژوهش بیانگر این است که خبرگزاری ایرنا با بیشترین تعداد خبر و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با کمترین تعداد خبر به پوشش خبری از بحران کم آبی پرداخته اند و همچنین بررسی‌ها و تحلیل‌های کیفی نشانگر لزوم وجود تعریفی درست از مسائل پیچیده ی محیط زیستی نزد کنشگران رسانه و تمرکز بیشتر رسانه‌های تصویری بر روی اخبار زیست محیطی است.

یکی از پژوهش‌های مرتبط تحقیقی است که محمد مهدی نجفی خواه در سال ۱۳۹۳ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران انجام داده است. عنوان تحقیق نجفی خواه «بر ساخت اجتماعی - فرهنگی یک مسئله زیست محیطی: مطالعه ای کیفی در فعالیت‌های اقامه دعوی و استراتژی‌های برساخت گرایانه مرتبط با بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه» است. هدف این پژوهش مطالعه استراتژی‌های برساخت گرایانه مرتبط با بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه بوده است. نتایج تحقیق بیانگر این است که گروه‌های ذینفع با توجه به خرده فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، موقعیت اجتماعی، طرحواره‌های ذهنی و واقعیت موجود را به اشکال متفاوتی بر ساخت کردند. هر کدام از این گروه‌ها راه حل‌های متفاوتی را برای احیای دریاچه ارومیه دارند و با توجه به موقعیت اجتماعی - فرهنگی شان پیامدهای بحران را تشریح می‌کنند.

وجه افتراق و اشتراک تحقیقات فوق این است که در دو پژوهش اول از لحاظ موضوعی و زمینه مطالعه (مستندهای زیست محیطی و مسئله آب) کاملاً مشابه این پژوهش است اما بعد تاریخی این پژوهش را ندارند به عبارتی این پژوهش بازه زمانی گسترده تری را برای مطالعه انتخاب کرده است و مهمتری این که با ادبیات چارچوب بندی سعی در فهم چارچوب‌های تشخیصی و تجویزی مسئله آب داشته است. دو تحقیق دیگر هم صرفاً به دلیل این که مسئله آب را در فضای رسانه‌های مورد توجه قرار داده اند، به آنها اشاره کردیم و وجه افتراق آنها این است که این پژوهش بر سینمای مستند تمرکز داشته است در حالی پژوهش‌های فوق یکی در زمینه خبرگزاری‌ها و دیگری هم بر روی مخاطبان بحران آب تمرکز داشته است.

نظریه چارچوب بندی

نظریه چارچوب بندی در رشته هایی چون جامعه شناسی، روانشناسی و ارتباطات مورد توجه قرار گرفته است، به همین دلیل می توان گفت که این نظریه ریشه های متنوعی دارد (شفر و اونیل، ۲۰۱۷: ۱). ریشه نظریه چارچوب بندی رسانه به کارهای جامعه شناسان حوزه ارتباطات و رسانه در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ بر می گردد که افرادی مانند گیتلین (۱۹۸۰) و تاجمن (۱۹۷۸) و اتمن (۱۹۹۳) آن را مطرح کرده اند (هانگین، ۱۳۹۳: ۱۷۰). البته باید به این مسئله توجه داشت که مطرح شدن این مفهوم در فضای ارتباطات، نشأت گرفته از کتاب گافمن (۱۹۷۴) با عنوان «تحلیل چارچوبها» بوده است (جانسن، ۲۰۱۵: ۱۶). گافمن از مفهوم چارچوب برای جلب توجه نسبت به شیوه هایی که ما در موقعیت های اجتماعی برای تفسیر طرح های خاص که نسبت به آنها آگاه نیستیم، استفاده کرد (اندرسون، ۲۰۱۴: ۴۱).

همانگونه که اتمن گفته است چارچوب بندی به معنای انتخاب برخی از جنبه های یک واقعیت درک شده و برجسته کردن آن در یک متن ارتباطی است (نابی، گاستفسون و جنسن، ۲۰۱۸: ۶). به عبارتی چارچوب بندی به معنای گلچین کردن واقعیت ها و فراهم کردن یک داستان که ارتباط بین واقعیت ها را نشان می دهد. به عبارتی در چارچوب سازی رسانه ها از یک ایده یا خط فرمان مرکزی سازمان دهنده برای ایجاد معنا بین جریانی از رویدادها استفاده می کند. چارچوبها به تعیین موضوع بحث و ماهیت موضوع می پردازند (کوالینا، فالكوفسکی و نیومن، ۱۳۹۳: ۹۲). چارچوبها ابزارهای سازمان دهنده ای هستند که به ارتباط گران و مردم کمک می کنند که مسائل و وقایع را درک کنند و آنها را معنی دار سازند (هانگین، ۱۳۹۳: ۱۷۰). بنابراین می توان گفت چارچوب سازی زمانی رخ می دهد که یک رسانه در زمینه تشریح یک موضوع یا رویداد، بر زیر مجموعه ای از رویدادها و ملاحظات مرتبط تمرکز می کند، این امر باعث می شود افراد در هنگام شکل دهی به عقیده خود به این موارد توجه نمایند (دراکمن و نلسون، ۲۰۰۳، به نقل از کوالینا، فالكوفسکی و نیومن، ۱۳۹۳: ۹۲). بهترین تعریف برای فهم چارچوب بندی در رسانه ها را اتمن ارائه کرده است از نظر وی چارچوب بندی به معنای «تعریف مشکل، تفسیر علی، ارزیابی اخلاقی و ارایه راه حل» است (اتم، ۱۹۹۳: ۵۲).

برای فهم فرآیند چارچوب بندی باید به سه ابزار عقلانی «ریشه ها (تحلیل علی) پیامدها (نوع خاصی از تاثیر) و توسل به اصول (مجموعه ای از ادعاهای عقلانی)» توجه کرد (هانگین، ۱۳۹۳: ۱۷۱-۱۷۲ به نقل از گامسون و مودیلیانی، ۱۹۸۹: ۳-۴). بنفورد و اسنو (۲۰۰۰: ۶۱۵-

۶۱۷) هم این موضوع را به شیوه‌ای کامل‌تر و بهتر مطرح کرده‌اند، از نظر آنها برای چارچوب‌بندی باید به سه بعد چارچوب تشخیصی، چارچوب تجویزی و چارچوب‌های انگیزشی توجه کرد. منظور آنها از چارچوب‌های تشخیصی شناسایی مشکل از سوی ارتباط گران است. چارچوب بندی تجویزی هم به معنای ارائه راه حل برای مشکل شناسایی شده است و در نهایت چارچوب بندی انگیزشی به معنای استفاده از زبان و ویژگی‌های رتوریک آن برای اقناع مخاطب است. با توجه به این که چارچوب بندی انگیزشی خود فضای گسترده‌ای دارد و برای آن باید از مباحث رتوریک و تحلیل رتوریک استفاده کرد، در این پژوهش صرفاً بر دو بعد چارچوب تخیسی و چارچوب تجویزی تمرکز شده است.

روش تحقیق

ژیلیان رز، در کتاب روش و روش‌شناسی تحلیل تصاویر، روش تحلیل محتوا را یکی از روش‌های مناسب برای تحلیل مصنوعات بصری معرفی می‌کند. رز برای تحلیل محتوا چهار مرحله زیر را پیشنهاد می‌کند: ۱. یافتن فیلم‌های مورد نظر ۲. طراحی مقوله‌ها برای کدگذاری ۳. کدگذاری فیلم‌ها و ۴. تحلیل نتایج بر اساس سوال تحقیق (رز، ۱۳۹۳: ۱۳۶-۱۲۱).

در روش‌های کیفی به جای نمونه‌گیری تصادفی از نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۴۷). به عبارتی محل‌ها و موردها به این دلیل انتخاب می‌شوند که رخدادهای مربوط به آنها نقشی حیاتی در فهم فرآیندها یا مفاهیم، و آزمون یا توضیح نظریه‌های پذیرفته شده ایفا می‌کنند (لیندلاف، ۱۳۸۸: ۱۷۳). در این نوع نمونه‌گیری محقق ویژگی‌های جمعیت مورد علاقه را مشخص ساخته و افراد یا موردهای دارای این ویژگی‌ها را پیدا می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۳۲). هم‌چنین باید گفت که در روش کیفی انتخاب نمونه‌ها بر اساس محتوا صورت می‌گیرد و نه با استفاده از معیارهای روش‌شناختی، به عبارت دیگر نمونه‌گیری بر مبنای مرتبط بودن موردها (با تحقیق) و نه نمایا بودن انجام می‌گیرد (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

طبق آنچه که رز (۱۳۹۳: ۱۲۳) برای روش تحلیل محتوا به درستی بیان کرده است «تقریباً تمامی تحلیل محتواها متکی به نوعی فرآیند نمونه‌گیری هستند».

موضوع بحران آب تا چند سال گذشته چندان مطرح نبوده است و تعداد مستندهای سینمایی ساخته شده در این حوزه چندان زیاد نیست. در نمونه انتخاب شده هم این موضوع تا حدود زیادی مشخص است، چرا که در دهه ۸۰ تعداد مستندهای ساخته شده در موضوع

بحران آب بسیار کم است. به همین دلیل محقق با جستجوهایی که انجام داده است، اگر مستندی را یافته است که در دهه ۸۰ ساخته شده است آن را در نمونه تحقیق قرار داده است. اما در دهه ۹۰ وضعیت متفاوت شده است و تعداد مستندهایی که به موضع بحران آب پرداخته‌اند به شدت افزایش یافته است. در این تحقیق از نمونه‌گیری نظری و هدفمند برای انتخاب مستندها استفاده شده است. بر این اساس ابتدا محقق با جستجوهای متعدد سعی کرده است که کل مستندهایی که موضوع آنها بحران آب و تبعات آن بوده است را شناسایی کند. در نهایت با در نظر گرفتن تمامی ملاحظات فوق 21 فیلم مستند مرتبط با بحران آب که در دهه ۸۰ و ۹۰ ساخته شده‌اند، برای تحلیل انتخاب شده است.

واحد تحلیل در تحلیل محتوا، کوچک‌ترین اجزای متن است که در آن رویداد و توصیف مفاهیم مطالعه می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۰۱). بنابراین، در این پژوهش، واحد تحلیل تم یا مضمون خواهد بود، به این صورت که هر مضمون کدگذاری خواهد شد و در نهایت جمع‌بندی تم‌ها و مضامین برای شناسایی چارچوب‌های کلان انجام خواهد شد.

جدول ۱: فیلم‌های مورد مطالعه پژوهش

ردیف	نام مستند	تهیه کننده	کارگردان	نویسنده	سال تولید
۱	چه شور بود دریاچه من	مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی	حسن قهرمانی	حسن قهرمانی	۱۳۸۶
۲	ایران جنوب غربی	محمد رضا جامعی/محمد رضا فرطوسی	محمد رضا فرطوسی	محمد رضا فرطوسی	۱۳۸۹
۳	مادرم بلوط	حوزه هنری استان خوزستان	محمود رحمانی	محمود رحمانی	۱۳۹۰
۴	صدای پای آب	علیرضا محمدی نیکچه	علیرضا محمدی نیکچه	علیرضا محمدی نیکچه	۱۳۹۰
۵	بانوی ارومیه	محمد علاء	محمد احسانی	محمد احسانی	۱۳۹۱
۶	گذر شهر بر آب	ارد عطاپور	فرهاد ورهرام	محمد رضا حائری/ فرهاد ورهرام	۱۳۹۲
۷	زنده رود یک روز به خصوص	محمد سعید محصی	محمد سعید محصی	محمد سعید محصی	۱۳۹۲
۸	مرگ تالاب‌ها	علی یازرلو	محمد رضا کیوانفر	پویا مهربان	۱۳۹۲

ادامه جدول ۱: فیلم‌های مورد مطالعه پژوهش

ردیف	نام مستند	تهیه کننده	کارگردان	نویسنده	سال تولید
۹	مکران گنج بیکران	محمد ساسان	ایمان احمدی	ایمان احمدی/محمد ساسان	۱۳۹۳
۱۰	صدای پای دیو	جمال اسکویی	جمال اسکویی	حامد باقری (فیلمنامه)	۱۳۹۳
۱۱	تالاب سیرانگلی	محمد احسانی	محمد احسانی	محمد احسانی	۱۳۹۳
۱۲	ناخدا سلیمان	سعادت علی سعیدپور	سعادت علی سعیدپور	سعادت علی سعیدپور	۱۳۹۳
۱۳	آجی چای	رحیم مرتضی‌وند	رحیم مرتضی‌وند	رحیم مرتضی‌وند	۱۳۹۴
۱۴	مادرکشی	مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری	کمیل سوهانی	کمیل سوهانی	۱۳۹۴
۱۵	تالاب جازموریان	فرهنگ خاتمی	فرهنگ خاتمی	فرهنگ خاتمی	۱۳۹۵
۱۶	زنان تالاب	سید محسن طباطبایی‌پور	شهره سجادیه	شهره سجادیه	۱۳۹۵
۱۷	در جستجوی رود از دست رفته	سید محسن طباطبایی‌پور	محمد محمودی	محمد محمودی	۱۳۹۵
۱۸	بند آب، بند خاک	فرهاد ورهرام	فرهاد ورهرام	فرهاد ورهرام	۱۳۹۶
۱۹	با تو شادم زاینده رود	سیدمحسن طباطبایی‌پور	نفیسه توتونی	نفیسه توتونی	۱۳۹۶
۲۰	رودنامه خوانی	سیدمحسن طباطبایی‌پور	فرشاد احمدی دستگردی	فرشاد احمدی دستگردی	۱۳۹۶
۲۱	سازنده رود	سیدمحسن طباطبایی‌پور	سیدهاشم مرتضویان	سیدهاشم مرتضویان	۱۳۹۶
۲۲	روزگاری هامون	محمد احسانی	محمد احسانی	محمد احسانی	۱۳۹۶

یافته‌های تحقیق:

برای پاسخ به سوال اول تحقیق که در پی یافتن چارچوب تشخیصی بحران آب از نظر فیلم‌های مستند ایرانی بوده است، با توجه به متن فیلم‌های مطالعه شده و پس از کدگذاری این مستندها

بین دو بعد دلایل بحران آب و تبعات بحران آب از نظر سینماگران تمایز قائل شده ایم. علل و تبعات بحران آب که در این مستندها طرح شده‌اند در دو جدول خلاصه شده است.

جدول ۲: علت‌های بحران آب

مصادیق		علت‌ها
الگوی بهره‌وری آب در کشاورزی (شیوه‌های نادرست آبیاری کشاورزی)	مسائل حوزه محیط زیست در ایران	علت‌های مبتنی بر محیط زیست و سیاست‌های حوزه محیط زیست
ناهماهنگی بین دستگاه‌های متولی حوزه منابع آب		
ضعف کارشناسی در طرح‌های حفاظت از محیط زیست		
بی‌توجهی به پیوست‌های زیست محیطی طرح‌های توسعه‌ای		
عدم احداث سد برای مدیریت آب‌های جاری		
انتقال آب بین حوضه‌ای بدون توجه به تبعات آن		
بی‌توجهی به شیوه‌های بومی مدیریت آب (سیستم قنات)		
کشت محصولات کشاورزی آب‌بر بدون توجه به شرایط اقلیمی		
برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی (حفر چاه‌های غیر مجاز)		
سدسازی بدون توجه به ملاحظات زیست محیطی در قانون اساسی		
تاثیر سدسازی بر ناپایداری اقلیم در کشور	مسائل جهانی و بین‌المللی محیط زیست	
نقض تعهدات همسایگان در اختصاص حقایق مناطق مرزی ایران		
افزایش گازهای گلخانه‌ای به دلیل شرایط اقلیمی		
گرم شدن کره زمین	مسائل اقتصادی توسعه رشد محور	علت‌های مبتنی بر سیاست‌گذاری‌های عمومی
کاهش بارندگی		
برتری دادن سود اقتصادی به جای توجه به الزامات زیست محیطی		
جایابی نامناسب صنایع بدون توجه به شرایط اقلیمی		
صادرات مواد آب‌بر		

چارچوب بندی علل بحران آب ایران در مستندهای زیست محیطی به گونه‌ای است که این مساله را عمدتاً در چارچوب حکمرانی مطرح می‌نماید. البته حکمرانی مفهومی وسیع‌تر از حکومت دارد و آن حاصل همبستگی و تعامل اقدامات و رفتارهای بازیگران بخشهای مختلف است... با پاگرفتن نشستهایی چون دومین مجمع جهانی آب در لاهه در سال 2000، کنفرانس

آب شیرین در سال ۲۰۰۱ و نشست جاسنبرگ درباره ی توسعه ی پایدار در سال ۲۰۰۲ مفهوم حکمرانی برای رفع مشکلات آبی جهان به شکل پررنگتری مطرح شد. مجموع دستورالعمل‌های این نشستها را میتوان در یک جمله خلاصه کرد: "بحران جهانی آب، بحران در حکمرانی است" (Mollinga, 2008: 12) به نقل از طالبی صومعه سرایی و دیگران: (۱۳۹۵) البته در این مستندها آن چه بیش از همه در بحث حکمرانی مطرح است مدلی نهادی در سیاستگذاریهاست. به طور کلی، در مدل نهادی، فعالیت‌های سیاسی پیرامون نهادهای حکومتی معینی مانند مجلس، ریاست جمهوری، دادگاه ها، دیوانسالاری ها، ایالت ها، شهرداری ها و ... متمرکز است. سیاست گذاری عمومی به وسیله این نهادها، به طور اقتدارآمیزی تعیین، اعمال و اجرا می‌شود. همچنین در این مدل، ارتباط میان سیاست گذاری عمومی و نهادهای حکومتی بسیار نزدیک است (تامس دای، 1387، به نقل از رفعتی پناه: ۱۳۹۷)

چارچوب تشخیصی این مستندها در حیطه علل را می‌توان در دو دسته دلایل مربوط به سیاستهای عمومی و دلایل مربوط به سیاستهای زیست محیطی دسته‌بندی کرد. علت‌های مبتنی بر سیاست گذاری‌های عمومی: در مقابل دلایل زیست محیطی ملی و بین‌المللی برای بحران آب، برخی از علت‌های این امر به مسائلی خارج از محیط زیست نسبت داده شده است؛ به عنوان مثال «برتری دادن رشد اقتصادی بر موضوعات زیست محیطی»، «صادرات محصولات آب بر» و «جایابی نامناسب صنایع آب‌بر» به عنوان دلایلی که خارج از سیاست‌های زیست محیطی منجر به بحران آب شده‌اند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. گرچه می‌توان تمامی دلایل ذکر شده در چارچوب تشخیصی این مستندها را ذیل عنوان لزوم سیاستگذاری‌های عمومی در جهت توسعه پایدار فراهم آورد اما در این دسته صراحت بیشتری برای ذکر سیاستهای عمومی و عملکرد کلی نهادهای حکومتی در بحران آب دارد. فارغ از نظریه‌های اقتصادی در باره رابطه توسعه و محیط زیست که در دوسوی طیف نظریه‌های «ضد رشد» در اقتصاد و «رشد اقتصادی»^۱ قرار دارند، مساله این است که در

^۱ رویکرد اول که به نظریه "ضد رشد" معروف است، بیان میکند رشد اقتصادی لزوماً به تخریب محیط‌زیست میانجامد؛ زیرا رشد به معنی تزریق کردن هر چه بیشتر مواد خام و انرژی به نظام اقتصادی و در پی آن تولید ضایعات بیشتر است. برای تأمین حیات‌شده و رفاه را کاهش میدهد. در سوی دیگر این طیف، رویکرد دوم وجود دارد که به نظریه "رشد اقتصادی" معروف است. در این گروه اعتقاد بر این است که رشد تنها راه ایجاد و تأمین سرمایه لازم برای حفاظت از محیط‌زیست است. رشد اقتصادی به جای آن که محیط زیست را تهدید نماید، میتواند به بهبود کیفیت آن کمک کند. (پژوهان و لشکری‌زاده، ۱۳۸۹)

گذشته به دلیل آنکه برنامه ریزی توسعه ای کشورها غالباً در دست اقتصاددانان بود، لذا آنان توسعه را فقط در رشد اقتصادی و بالا بردن تولید ناخالص ملی می‌دانستند و از این رو، به مسائل زیست محیطی، فرهنگی و اجتماعی در برنامه‌ها کمتر توجه می‌شد. اما به تدریج با پیدایش مشکلات و مسائل زیست محیطی، گرایش به امر محیط زیست در برنامه‌های توسعه کشورها جدی گرفته شد. لذا جهت دهی به برنامه‌های توسعه در راستای حفاظت از منابع طبیعی در کانون توجه جامعه جهانی قرار گرفت. برنامه‌های توسعه تنها نمی‌توانست به برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های کوتاه مدت و میان مدت بسنده کند و ناگزیر باید بر برنامه‌های بلندمدت، ارائه دورنماها و تحلیل چشم اندازهایی با افق دوردست با هدفگذاری و سمت‌گیری‌های روشن و مشخص متکی می‌بود، چرا که برنامه ریزی‌های بلند مدت با تجسم بخشیدن به مبانی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی جامعه آرمانی آینده، زمینه شکل‌گیری تحولات و اصلاحات و باز آرایبی اقتصاد ملی و چارچوب‌های طراحی و اجرای برنامه‌های میان مدت و کوتاه مدت را فراهم می‌آورند (دبیری و همکاران، ۱۳۸۶؛ سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۴، به نقل از معطوفی و دنکوب، ۱۳۹۶)

آن چه در این مستندها به عنوان چارچوب عمده نگاه به علل بحران زیست محیطی اب مطرح شده است همان چیزی است که برای گذر از تبعات توسعه مطرح شد. منظور از پایداری برقراری موازنه بین « توسعه پایدار » و « پایداری » مفهوم الزامات زیست محیطی و نیازهای توسعه‌ای در یک جامعه است و توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای زمان حال را برآورده می‌سازد، بدون آنکه از توانایی‌های نسل‌های آینده برای ارضای نیازهایشان مایه بگذارد. بنابراین توسعه پایدار، نیازمند برقراری تعادل مناسب میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی است (راو، 1385) ایجاد تعادل و تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مستلزم داشتن چشم اندازی بلندمدت تر و تعیین تأثیرات تصمیم‌گیری و تصمیمات فعلی روی نسل‌های آینده، وضع قوانین، مقررات و سیاست‌هاست و این خود محیط و بعد اصلی بعدی را مشخص می‌سازد که همان بُعد سیاسی است. بنابراین محی‌طها و ابعاد توسعه پایدار عبارت است از: طبیعی (بعد زیست محیطی ی اکولوژیک)، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی متأسفانه از زمان انقلاب صنعتی، اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی (زاهدی، ۱۳۸۹)

علت‌های مبتنی بر وضعیت محیط زیست و سیاست‌های این حوزه: در این بخش گاه مساله آب در چارچوب تشخیصی دلایل و وضعیتی زیست محیطی استوار بوده است. عللی که خود

بدون دخالت جدی انسان و سیاستهای انسانی ایجاد شده‌اند. دلایلی همچون افزایش گازهای گلخانه‌ای به دلیل شرایط اقلیمی، گرم شدن کره زمین و کاهش بارندگی از این دست است. در دسته دوم تاکید بر روی سیاستهای زیست محیطی است. منظور از سیاستهای زیست محیطی مجموعه فعالیتهای دولت است که بر روی کیفیت محیط زیست و استفاده از منابع طبیعی اثر می‌گذارد و یا در پی اثرگذاری است. این سیاستگذاری در سه سطح زیر ملی، ملی و بین‌المللی صورت می‌گیرد. در سیاست گذاری محیط زیست، سیاستگذار سعی می‌نماید تا بین عوامل مختلف اعم از آلاینده‌ها و عوامل به وجود آورنده آلودگی و محیطی که تحت آلودگی قرار گرفته است، با روش خاص خود برای حل مشکل پل ارتباطی به وجود آورد (Ghavipankeh & Zarei به نقل از مجابی و اسماعیلی: ۱۳۹۵)

همانگونه که از اطلاعات جدول بالا مشخص است، بیشتر علت‌های مرتبط با بحران آب در حوزه مسائل زیست محیطی در بعد داخلی مورد توجه مستندها و مستندسازان واقع شده است. در حوزه دلایل زیست محیطی توجه اندکی هم به مسائل بین‌المللی و جهانی محیط زیست نیز شده است و مسائلی مانند «تغییر اقلیم»، «گرم شدن کره زمین»، «کاهش بارندگی» و «عدم رعایت حق‌آبه‌های ایران توسط کشورهای همسایه»

جدول ۳: تبعات بحران آب

تبعات	نوع
فرو نشست زمین بدلیل پایین رفتن سطح آب‌های زیرزمینی	تبعات زیست محیطی بحران آب
از بین رفتن تنوع زیستی	
از بین رفتن پوشش گیاهی	
مرگ پرندگان بدلیل خشک شدن تالاب‌ها	
خشک شدن درختان بدلیل بدهای نمکی حاصل از خشک شدن دریاچه‌ها	
ایجاد فقر و مشکلات معیشتی برای روستاییان بدلیل از بین رفتن محصولات کشاورزی	تبعات غیر زیست محیطی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) بحران آب
مهاجرت روستاییان به حاشیه شهرها بدلیل بحران آب	
تاثیرات روانی بحران آب بر مردم	
به خطر افتادن بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی شهرها و مردم آن	
احساس اقلیت بودن و طرد شدگی افراد درگیر با بحران آب	
دسترسی نداشتن روستاییان به آب شرب سالم	

ادامه جدول ۳: تبعات بحران آب

تبعات	نوع
سونامی بادهای نمکی به عنوان یکی از تبعات خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها	
آلودگی هوای بدلیل خشک شدن تالاب‌ها و ایجاد طوفان‌های شن و ریزگردها و اثرات آن بر سلامتی افراد	
افزایش هزینه‌های مردم مناطق محروم برای دسترسی به آب شرم سالم از بین رفتن مشاغل وابسته به آب مانند میناکاری و گردشگری	
بروز بیماری‌های تنفسی بدلیل تبعات ناشی از ریزگردها حاصل از خشک شدن تالاب‌ها	
درگیر بر سر موضوع آب و ایجاد جنگ آب	
غیر قابل استفاده شدن آب چاه‌ها (شور شدن آب)	

تحلیل متن مستندها نشان می‌دهد این مستندها عمدتاً با اتخاذ چارچوبی کارکردگرا نسبت به محیط زیست بررسی رابطه میان محیط زیست و جامعه را بیش از هر چیز از منظر این که محیط زیست از چه کارکردهایی برای جامعه انسانی برخوردار است تصویر کرده اند. در این چارچوب مفهوم سازی محیط زیست به عنوان کارکرد، به آن به مثابه حیطة فعالیت اجتماعی یا نقش اجتماعی می‌نگرد که از کارکردهای حیاتی برای جامعه انسانی برخوردار است و باید به حفظ این کارکرد پرداخت. جامعه شناسی از این طریق محیط زیست را از مقوله ای صرفاً طبیعی خارج کرده و آن را به عنوان امری اجتماعی تعریف می‌کند (مهرآیین، ۱۳۹۳ به نقل از سعیدآبادی و سلطانی: ۱۳۹۶)

به همین رو تبعات زیست محیطی بحران آب در این مستندها در سایه و حاشیه تبعات غیر زیست محیطی قرار گرفته و تمرکز اصلی مستندسازان بر مسائلی غیر زیست محیطی بوده است و موضوعات اقتصادی و رفاهی افراد درگیر با مسئله آب به مراتب بیشتر از سایر موضوعات مورد توجه قرار گرفته است؛ اگرچه در مواردی هم بعد فرهنگی موضوع مطرح شده است. بر خلاف آنچه که در فضای رسانه‌های اجتماعی در مورد مسائل امنیتی ناشی از آب مطرح شده است در این مستندها توجه چندانی به این موضوع نشده است و صرفاً در یکی از مستندها به صورت مختصر جنگ‌های ناشی از آب مورد توجه قرار گرفته است. امنیت زیست محیطی یکی از چارچوب‌هایی است که توانایی آن را دارد که بعد تبعات ناشی از بحران آب را تئوریزه نماید.

شرایط امروزه جامعه ایران بیانگر آن است که پرداختن به ابعاد امنیت زیست محیطی یکی از الزامات سیاستگذاری‌های کلان در این حوزه هاست.

در بعد تبعات زیست محیطی هم در اندک مواردی این موضوع در محتوای مستندها مطرح شده است، به عبارتی می‌توان گفت به دلیل این که چارچوب اصلی تشخیصی در این مستندها توسعه پایدار است، طبیعی است که محیط زیست به صورت ذاتی فاقد ارزش است و اگر محیط زیست برای بهره برداری انسان نباشد، ارزشی ندارد که به تبعات بحران آب بر محیط زیست و تغییرات اکوسیستم‌ها توجه کرد.

بر اساس مستندهای مورد بررسی این تحقیق می‌توان گفت در بخش تبعات بحران آب یکی از مسائلی که به ندرت مورد توجه مستندسازان قرار گرفته است، تقسیم بندی جامعه به ما/ آنها بر مبنای تحمل سختی‌های زیست محیطی است، اگر چه در معدود مواردی به این مسئله پرداخته شده است. به بیان دیگر بحثهای ساختاری درباره نابرابری و تفاوت‌های حاشیه و مرکز و یا فراداستان و فرودستان در این مستندها محوریت موضوعی ندارد.

جدول ۴: چارچوب تجویزی مستندهای بحران آب

احداث سد برای مدیریت آب‌های جاری	راهکارهای ساختاری	راهکارهای تجویزی برای حل بحران آب
نظارت برای جلوگیری از حفر چاه‌های غیر مجاز		
لزوم ایجاد مشاغل جایگزین (مشاغلی که وابسته به آب نباشد)		
تقویت مدیریت حوزه منابع آب		
تقویت مشارکت اجتماعی و مدنی جوامع محلی برای مدیریت بحران آب		
لزوم همکاری نهادهای رسمی و دولتی با تشکلهای مدنی		
بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی در طرح‌های محیط زیستی		
فرهنگ سازی و آموزش برای جلوگیری از تخریب محیط زیست		
لزوم توجه رسانه‌ها و افکار عمومی به موضوع بحران آب		
پیگیری حقایق تالاب‌های ایران در سطح بین‌المللی		
لزوم ارتقای سواد آب		
لزوم تطبیق کشت کشاورزی با شرایط کم آبی		
ملی دانستن آب برای تامین مصارف شرب		
توجه به شیوه‌های بومی مدیریت منابع آب		
انتقال آب بین حوضه ای به عنوان یک راه حل برای حل بحران آب	راهکارهای غیرساختاری (مبتنی بر عاملیت افراد)	
لزوم مشارکت نخبگان و توجه آنان به محیط زیست		
لزوم بی توجه نبودن جوامع محلی به آبخیزداری		

جدول نشان می‌دهد که عمده چارچوب تجویزی این مستندها مبتنی بر راهکارهایی ساختاری است. این راهکارهای ساختاری در محدوده عملکرد نهادهای حکومتی موجود بوده و با نگاهی محافظه‌کارانه مبتنی بر توسعه از بالا به پایین است. در این چارچوب تجویزی راه‌حل‌های رادیکال ساختاری در چشم انداز راه‌حل‌ها وجود ندارند و مشارکت بازیگرانی همچون ذینفعان بخش آب هم به عنوان قسمتی از راه‌حل نادیده گرفته شده‌اند. چنین چارچوب تجویزی در تطابق تام با چارچوب کلی تشخیصی مستندهاست. از نکات قابل توجه در مورد چارچوب‌های تجویزی این است که بعضا پیام‌های متناقضی در مستندهای مورد بررسی مطرح می‌شود که خود ناشی از گسستهایی در چارچوب تشخیصی و یا چندگانگی این چارچوبهاست.

نتیجه‌گیری

حال سوال این است که بر مبنای این تفکیک، درباره دلایل و علت‌های بحران آب چه می‌توان گفت؟ در وهله اول برای پاسخ به این سوال باید گفت که مستندسازان ایرانی که در موضوع آب دست به ساخت مستند زده‌اند، چارچوب تشخیصی خود را «توسعه پایدار» انتخاب کرده‌اند. به عبارتی این فیلمسازان سینمای ایران کلیت مسئله را در توسعه ناپایداری تعریف کرده‌اند که در فرآیندهای سیستم کشور در حال اجرا است. بر مبنای ادبیات پژوهشی حوزه توسعه پایدار بی‌توجهی به محیط زیست صرفاً یکی از دلایلی است که توسعه را ناپایدار می‌کند و تبعاتی برای کشورها بوجود می‌آورد، اما در مستندهای مورد بررسی این پژوهش علت‌های بحران آب صرفاً به بی‌توجهی به محیط زیست فرو کاسته شده است.

علاوه بر توسعه پایدار با اندکی تأمل می‌توان ریشه‌های این موضوع را در چارچوب‌های کلان‌دبگری چون «اقتصاد سیاسی آب» نیز جست. دامنه این موضوعی به قدری گسترده است که حتی می‌توان از اقتصاد سیاسی آب در دو بعد ملی و فراملی سخن به میان آورد. نگاهی به مستندهای مورد بررسی در این پژوهش بیانگر آن است که اقتصاد سیاسی آب چندان مورد توجه قرار نگرفته است و تمرکز عمده بر بخش کشاورزی است، در حالی که اگر موضوع عمیق‌تر مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، همانگونه که فرشاد مومنی^۱ اقتصاددان حوزه توسعه بارها

^۱ . <https://www.daraian.com/fa/paper/7382>

در سخنرانی‌های خود ذکر کرده است، اتفاقاً کشاورز و شیوه‌های کشاورزی خود قربانی بحران آب هستند و نه دلیل آن، اما این اقتصاد سیاسی است که نقش کشاورزان را از آنچه که هست برجسته تر نشان می‌دهد. اگرچه این دیدگاه نیز مورد انتقاد است و برای مثال برخی از پژوهشگران بر این باورند که سرانه مصرف آب در ایران در قیاس با سایر کشورها خلاف ادعای مومنی را اثبات می‌کند.

بی توجهی به مصارف آب در بخش شرب نیز یکی دیگر از موضوعاتی است که در هیچ کدام از مستندهای زیست محیطی مورد مطالعه در این پژوهش مطرح نشده است. طبق آمارهای^۱ مختلفی که در فضای رسانه ای کشور مطرح شده است، سرانه مصرف آب در ایران به مراتب از کشورهایی که شرایط آبی بهتری از ایران دارند، بالاتر است و این امر نیازمند توجه است.

هر چارچوبی می‌تواند تاثیر متفاوتی در برخورد مخاطب با موضوع ایجاد کند؛ در چارچوب توسعه پایدار تاکید ارتباطگران (روزنامه نگاران محیط زیست و کنشگران) چارچوب تشخیصی مدیریت استفاده انسان از محیط زیست است؛ به این معنا که مفروض این چارچوب این است که طبیعت بماهو طبیعت فاقد ارزش است و مساله نحوه مدیریت استفاده انسان از طبیعت است، به گونه‌ای که هم نیازهای خود را تامین کند و هم تامین نیازهای نسل‌های آتی را به خطر نیاندازد. این موضوع می‌توانست در قالب چارچوب بدیل دیگری مانند زیست بوم گرایی چارچوب بندی شود که طبق آن صرف مدیریت بهتر در استفاده از منابع طبیعی راهکار مناسبی برای وضعیت موجود نیست، بلکه باید دگرگونی‌های بنیادی در مورد رابطه انسان و طبیعت بوجود آید، تا بتوان بر مشکلات موجود غلبه کرد. چارچوب دیگر می‌توانست افراط-گرایی سبز باشد که مفروض اصلی طرفداران آن این است که در رابطه انسان و طبیعت باید طبیعت بر انسان مسلط باشد. هر کدام از این چارچوب‌ها مفروضات متفاوتی برای مخاطب ایجاد می‌کند و در نتیجه امکان‌های متفاوتی در ایجاد نگرش و رفتار زیست محیطی و از جمله منابع آب ایجاد خواهد کرد.

برای فهم این موضوع نیازمند آن هستیم که دیدگاه جزء نگر به مسائل محیط زیست و خصوصا موضوع حیاتی آب نداشته باشیم، بلکه باید با نگاه کل نگر اقتصاد، سیاست، محیط

^۱ . <https://www.irna.ir/news/84062923/>

زیست، فرهنگ و جامعه را به عنوان یک کل واحد دید، تا بتوان با توجه به پیچیدگی روابط میان این حوزه‌ها دلایل اصلی بحران آب را شناسایی کرد و بر مبنای آن اقدام به سیاستگذاری برای حل موضوع آب نمود.

برای پاسخ به سوال دوم تحقیق مبنی بر راهکارهای تجویزی مستندسازان برای بحران آب، بدلیل این که عمده چارچوب تشخیصی اتخاذ شده در مستندها مبتنی بر توسعه پایدار بوده است، بنحو طبیعی و تبعی راهکارهای تجویزی هم عمدتاً بر این اساس ارایه شده است.

منابع

- احسانی، مهرزاد و خالدی، هومن (۱۳۸۲) بهره‌وری آب کشاورزی، تهران: کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران.
- پژوهان، جمشید و مریم لشکری زاده (۱۳۸۹) گذار بر رابطه میان رشد اقتصادی و کیفیت زیست محیطی، نشریه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش. ۴۲، صص. ۱۹۰-۱۶۹
- رز، ژیلیان (۱۳۹۳)، روش و روش‌شناسی تحلیل تصویر، ترجمه سیدجمال‌الدین اکبرزاده جهرمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و مرکز آموزش و سنجش افکار صداوسیما.
- رفعتی‌پناه مهربادی، مهدی (۱۳۹۷) تاثیر سیاست‌های دولت پهلوی بر نهادینه‌شدن فرهنگ مشارکت عمومی در عرصه حفاظت محیط‌زیست، مطالعات تاریخ فرهنگی، ش. ۳۶، صص. ۷۶-۵۳
- سعیدآبادی، زهرا و شهناز سلطانی فر (۱۳۹۶) محیط‌زیست؛ مفهومی چندگانه در علوم انسانی، نشریه راهبرد، ش. ۸۳، صص. ۲۱۳-۱۸۷
- شهبازی، رامتین (۱۳۹۸) سازوکار ضرب آهنگ کاوی «زیست محیطی» هنری لغور در بیان سینمایی با نگاهی به دو فیلم «طبیعت بی جان» و «باد ما را خواهد برد»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، دوره ۲ شماره ۴، صص ۲۷-۱۱
- صابری، ندا (۱۳۹۶) ارزیابی عملکرد و نحوه ی پوشش رسانه‌های خبری ایران از مسایل محیط زیستی با استفاده از نقد رتوریک: مطالعه موردی: بحران کم آبی، پایان نامه کارشناسی، دانشکده‌ی محیط زیست دانشگاه تهران.
- طالبی صومعه‌سرایبی، مهشید و دیگران (۱۳۹۵) خوانشها و جهت‌گیریهای متفاوت دولت و مردم در مسائل زیست محیطی مطالعه موردی: رویکرد کشاورزان ورامین به سیاستگذاری دولت در مورد پساب، نشریه جغرافیا و توسعه، ش. ۴۴
- عرفانی حسین پور، رضوانه (۱۳۹۲) تحلیل رتوریک مستندهای مربوط به بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه ارتباطات دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- فلیک، اوه (۱۳۹۲) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی.
- کوالینا، ووسیچ؛ فالكوفسکی، آندرژ و نیومن، بروس.ای (۱۳۹۳) بازاریابی سیاسی: مبانی نظری و راهبردی، ترجمه حمیدرضا عسگری ده‌آبادی و شهاب‌طلایی شکری، تهران: کتاب مهربان.
- لیندلاف، تامس و تیلور، برایان (۱۳۸۸) روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: همشهری.

- مجابی، محمد و مریم اسماعیلی فرد (۱۳۹۵) جستاری بر سیاستگذاری محیط زیست در جمهوری اسلامی ایران، نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ش. ۲۱، صص. ۲۰-۷
 - محمدپور، احمد (۱۳۹۰) روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲، تهران: جامعه شناسان
 - محمودی یمین، سید رسول (۱۳۹۶) ارزشیابی برنامه‌های مستند سیمای جمهوری اسلامی ایران در زمینه ارتقاء فرهنگ مصرف آب، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ارتباطات دانشگاه صدا و سیما.
 - مرزبان، حسین؛ صدرایی جواهری، احمد؛ زیبایی، منصور؛ ناظم السادات، محمدجعفر و کریمی، لیلا (۱۳۹۸) بررسی وضعیت منابع و مصارف آب در ایران و راهکارهای بهبود وضعیت، مجله آب و فاضلاب، دوره ۳۰ شماره ۴، صص ۱۶-۳۲
 - معطوفی، علیرضا و مرتضی دنکوب (۱۳۹۶) اولویت بندی عوامل موثر بر تدوین خط مشی‌های زیست محیطی کشور با استفاده از روش فرایند تحلیل شبکه ای، ش. ۹۰، صص. ۱۲۵-۱۵۶
 - مک لین، بتسی (۱۳۹۴) تاریخ نوین سینمای مستند، ترجمه محمد جواد مظفریان، زیر نظر مازیار اسلامی، تهران: نشر رونق.
 - منظر قائم، مهدی و عرفانی حسین پور، رضوانه (۱۳۹۳) تحلیل رتوریک فیلم مستند زیست محیطی، فصلنامه انجمن ایرانی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۱۰، شماره ۳۵، صص ۹۴-۵۹
 - نجفی خواه، محمد مهدی (۱۳۹۳) بر ساخت اجتماعی - فرهنگی یک مساله زیست محیطی: مطالعه ای کیفی در فعالیت‌های اقامه دعوی و استراتژی‌های برساخت گرایانه مرتبط با بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
 - نیکولز، بیل (۱۳۸۹) مقدمه‌ای بر فیلم مستند، مترجم محمد تهامی نژاد، تهران: جامعه نو.
 - هانگین، جان (۱۳۹۳) جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، تهران: سمت
 - وارد، پل (۱۳۹۱) مستند؛ حواشی واقعیت، ترجمه حمیدرضا احمدی لاری، تهران: نشر ساقی.
- منابع انگلیسی:
- Anderson, A. (2014). *Media, environment and the network society*. London: Palgrave Macmillan.
 - Benford, R. D., & Snow, D. A. (2000). Framing processes and social movements: An overview and assessment. *Annual review of sociology*, 26 (1), 611-639.
 - Entman, R. M. (1993). Framing: Toward clarification of a fractured paradigm.
 - Johannessen, M. R. (2015, August). Please like and share! A frame analysis of opinion articles in online news. In *International Conference on Electronic Participation* (pp. 15-26). Springer, Cham.

- Nabi, R. L., Gustafson, A., & Jensen, R. (2018). Framing climate change: Exploring the role of emotion in generating advocacy behavior. *Science Communication*, 40 (4), 442-468.
- of the Working Party on Development Cooperation and Environment(1999) Environmental Communication: Applying Communication Tools Towards Sustainable Development .Paris
- Pezzullo, P. C., & Cox, R. (2017). *Environmental communication and the public sphere*. Sage Publications.
- Schäfer, M. S., O'Neill, S., Nisbet, M., Ho, S., Markowitz, E., & Thaker, J. (2017). Frame analysis in climate change communication: approaches for assessing journalists' minds, online communication and media portrayals.